

تربیت

روزنامه آزادبختی

پنجشنبه نهم شمس ربیع الاول ۱۳۲۲ هجری

صاحب استیاد کار الملک میرد رسیده بای

هجدهم ماه فرگی ۱۳۲۲ میلادی

قیمت در دارالخلافه طهران نمره سیصد و شصت و یکم

در سایر ولایات داخله سیصد هزار دینار در تمام روسیه چهارم در تمام هندوستان بیست و پنج در تمام فرنگ و ممالک عثمانی و مصره و کنگ

در دارالخلافه طهران طبع میشود جریده علمی و ادبی و سیاسی

سال هشتم

قیمت طایفان بطریق کثیران اگر کمتر شود تخفیف قیمت دارد

ملکات ملوکانه و حیضرت قوشک بایون شاهنشا به حجاب مطهره الدین شاه
 ارواح فدا از رعیت پروری و عدالت گسری قاطبه اهل مملکت را و عا
 و آرزو مند سلامت ذات ملکوتی صفات مقدس دارد و طنباسی نشیند
 درگاه معنی از ایرانی و سنه کی استکمال این موبت خداوندی را صواب
 و صلاح درین یدند که بجای حرکت یلانی سال ذات اقدس علی که
 حاشش عوار و مدد و شب روزی چند در حوالی آبهای معدنی فرنگ که
 سازگاری آن براج نصف امتزاج شمس یاری آید و آسم تعالی از پیش
 شود گشته گذراند بنابرین یک ذمه قبل حضرت مستطاب اقدس
 معظم شاهنشاه زاده عظمی و یمنه معدت محمد دولت علیه ایران صاحب
 اختیار کل مملکت آذربایجان و امت شوکت را از دار استلطه تبریز
 اخلاذ طهران احضار نموده که در غیاب و ذهاب فرخنده ایاب
 خسروانی به نام ملی و دولتی و اعمال و زرای عظام و امرای عسکره و غیره
 کلیه نظرداشت باشند و بجای وجود خود شاهنشاهی دام ملک کشور و لشکر را
 مرتب و منظم دارند و بایسته و شایسته را چنانکه باید و شاید بجای آرند

پس موقع انتهای شاهانه در سیصد و شصت و یکم کوب ظل الهی روز پنجم
 دوم ماه ربیع الاول در کف خطه الهی از مقرر سلطنت و کرسی و کونست
 فرموده که تشریف فرمای گیلان شوند و از راه کناره دریای خزر بآستانه
 روند و در سپار قلم اراد و پاگردند درین سفر بمنبت اثر حضرت اثر
 معظم شاهزاده عین الدوله صدر عظمی و خلد اعلی و بعضی از خواص
 خدم مقرر رکاب علی شیند و در او ان غیبت خاکنه شاره کردیم ملک
 محروپه ایران تمامه در ظل مراحم کلامه و عنایات شاه حضرت اقدس
 انسانی و یمنه دولت بیروال که اقبالش پائین و باد سر بلند خواهد بود
 در حشمت سابقه خواهد افزود

(بقیه تحقیق در باب ثروت ایران)

پیش از شروع گفتگو باید محض احتیاط یک نکته را یاد آوری نمایم و عرض کنم
 که مطالب مسطور در این مقال و معالمانی قبل و بعد نتایج تحقیقات و
 معلوماتی است از علم ثروت و دانش سیاست مذن و مذ رکات عظام
 حکمای بزرگ که حرفی سپرد خود و خیالی خام نسجیده و ناتمام و خصوصاً

(بقیه شرح حال و اشیکتن)

بنابر مسطورات مذ قبل در آخر سال هزار و هشتصد و هفتاد و هفت امریکاییان پیشرفت درستی حاصل کردند و بر عا که بکلیس غایب آمدند تفصیل این اجمال آنکه انگلیسیا
 شریفی را گرفتند و یک ماه ازین واقعه گذشت آنکه یکی از صاحبان بکلیسی از طرف کانادا آمد که از پشت سر بر شکران امریکا حمله کند و بجای دهانها
 مقهور سازد اما اتفاقاً چند نفر صاحب منصب امریکایی سپه دار انگلیسی را احاطه کردند و او مجبور شد که خود با تمام لشکری که برای او مانده بود یعنی پانصد نفر
 نفر تقسیم صاحب منصبان امریکایی گردد و حاصل آنکه قسطنیه بکلیس رسید
 پس ازین غلبه کارایالات متحد و تسلیم جدید نفع حسابی گرفت دولت فرانسه که تا آن وقت در خوابا امریکاییان همراهی داشت چون فتوحات نمایان عساکر ایران

اہل حل و عقد باید دانست کہ غرض بند و اندر زینست بلکه حقایق و حقائق
شعنی است و ثروت و آبادی ملک مستثنی برین اصول است و ابواب
این فنون و این قوانین خصاصی بود و صرف مالک محسوبند و اگر
ہر قطری از اقطار کرہ ارض کہ طالب عمارت و ترقی و بسجود باشد
ما چار میباید این قواعد را مجری دارد و کلیات و جزئیات آن را
بموقع اجرا گذارد و اگر مسائل را راجع بایران صانع الله عن الحدیث
مینمایم برای آن است کہ ملک خود را بسینہ میزنیم و طبعی است کہ
ہر آدمی را در پاک سرشتی و وطن خویش را دوست دارد و ہر چه خیر است
برای آن بخواند ہموارہ از آن مرز و بوم گوید و راه دلالت و اشتقاق
پویدہ غافل باشد و نداند یا مانعی دست پای او را بندد و نتواند
حال را بداند از ہم جہل مقصود و یاری ملک معبود
در نمرہ قبل گفتیم وسیلہ و تیم تولید ثروت سعی و عمل انسان است اینک
توضیح و تشریح آن مطلب را گوئیم البتہ ہر ذی شعوری میداند کہ
انسان بدون زحمت سعی نمیتواند از زمین محصولات آن بہرہ برد
و فایده بردارد ملک ما اگر از بابت وسیلہ اول تولید ثروت
یعنی از زیادتی زمین و عوامل طبیعی دست نکشد از بابت وسیلہ
دویم کہ کار و زحمت انسان باشد ظاہر اخیلی دل نگلی داشته باشد ایران
با این دست خاک صلا از مالک کہ جمیع محسوب شود و این خود برہی
ثروت ملک منضم شد شک نیست کہ قید و استہام خارجہ را در فرام
آوردن حفظ صحت امانی میدانید این کار برای زیاد کردن جمعیت است
و از دیو جمعیت برای کسب منفعت و گرنہ بزرگان بسج ملک عاشق

آحاد و افراد وقت نیستند در فواجی ما گذشتہ از اینکہ موجبات زیادت
کردن نفوس نظری آید علل کم شدن محسوس است و فوریدہ میشود
کاهش می افزدیم و نہ یکا ستم نہ خراب میکردیم نہ می آراستیم
باری بہر جہت این قبیل جمعیت ہم کہ داریم و شاید از نیست کہ نفس تجاوز
نکند نصف آنها اقلًا میخواہند کار نکردہ زندگانی کنند و معاشی را بخواہند
در یافت نمایند بعارفہ اخیری طفیلی باشند و آنها یا باعث بار آلودہ
مستبرذ یا دارای عنوانات دیگر کہ در استیفا از ما بہتر میداند و آن
غافل کہ اگر مردمان پروردار با استخوان از امر زادہ و خازنہ ما نمی
وحیب یا کالین و وصلین و اہل دعا و صفا و غیرہ نیز کار کنند و خلقی
مستعد را عاقل و باطل گذارند برای قوہ و بسنیہ بدنی و خیالی خود آنها
خوب است و ہنگام تقاضا و درخواست ہم دلتی ندارند پاداش
خدمت و کردہ خویش میخواہند و میتوانند بہر بندی او عای اجر و حق
نمایند ہم ملک فایده رسانند ہم بخشہ منفعت برند و بدتر از ہمہ گروہی کہ
و اسباب صنی بدون بسج عنوان دست ویزی ہمہ قسم توقع و تمنا
دارند و بدست رنج رعایای بیچارہ و حاصل زحمت ضحفا را پیش
و عشرت میسپارند جماعتی ہم بقلاشی و کلاشی و جیب بری و کلاه برداری
و شرخری و کوک و کلک و چرخ فلک را چہر میکنند و مال مفت و حرام را
از شیر باد حلال تربیدانند عجزہ و مساکین و مداح و درویش و گدا و آن
لہیل نیز جای خود دارند و احدی را بحال خویش نمیگذارند و ہمچنین زندہ
شہری خاصہ آنها کہ در سواد عظم اند عاودہ باید از دایرہ کار خارج باشد
تا آنجا کہ با پس گیر و کلفت را ہم خیال بازار بدو زینتی ترقی پیش آمد

متحدہ را دیدار ہنای را آشکار ساخت و پردہ از روی کار برداشت عینی مستقیم شد کہ از ہر گونہ معاونت در بارہ این قوم کہ بشایستگی و درستی کار میکنند
مضائقہ نماید در آن زمان جوانی فسر انوس از بزرگ زادگان در دولت فسر اندہ بود بانفا ذکلمہ و دخل و تصرف معقول در مقام ملی و اومار کی
فایت نام داشت میان مار کی شار الیہ و ززال و شینکن مودت کامل در گرفتہ و خصوصیت ہر جہ عالی رسیدہ نتیجہ این دوستی میان مخالفت و
اتحادی شد کہ فیابین دولت فرانہ و ایالات متحدہ امریکا منعقد گردید و ہسباب کال قوت این قوم تازہ روی کار آمد فسر ہم آمد چنانکہ دولت
فرانہ یکدہ شکر بفرماندی کردی مونسوم بہر کنت و در شامو نامور امریکا کرد و در ہمان ایام و شینکن عساکر انگلیس را مجبور نمودہ بود کہ شہر فیلادلفی و دیلات
نیو یورکی را راکسند و خود در قسمت طلبای رود ہنسن در نا جیہ نیو یورک بواسطہ حال و مذاقت امور لازمہ میگذازند

که نه مجال دوخت و دوز است نه فرصت خانه داری و کسی فعلا آنها را
مکلف بکار نیندازد و برین لازم نیست شرح و هم همیشه باید گویم
نتیجه این مقدمات آن است که فی الحقیقه معدودی از اهل مملکت کارکنند
و باقی از دولت سران چند نفر زنده اند

راست است که اگر امر و وظیفه با بر حسب اتفاق همه یک مرتبه اهل غیرت
شوند و بخواهند کار را وسیله معاش قرار دهند سرگردان میانند زیرا که
کار حسابی در مملکت بسیار کم شده و مثل و حرف بعد رکعایت تمام مکن پیدا
نمیشود اما اینم نتیجه همان حالات است و عقرب علت این مانع می
بطور اجمال خواهیم گفت عجا که گوئیم برای آنکه مردم مملکت غریب
بکار باشند و بتوانند از عمل خود بهره برند شرایط لازم است بعضی بر آن
بخود مردم و برخی متعلق تربیت امور مملکت و دولت آنچه راجع بخود مردم است
صحت بدن و سلامت عقل و غیرت و همت و ثبات قدم و مال اندیشی و
امانت و دیانت میباشد و آنچه متعلق تربیت امور مملکت و دولت است
آنکه مردم را در کسب کار آزاد گذارند و این آزادی مجدد الله در ایران است
مگر در چند کسب که آنهم بعد از قدری بصیرت و اطلاع بزودی آزاد خواهد
شد خلاصه بوجوب قوانین علم ثروت باید مردم را در کسب و تجارت بحال
خود گذاشت و تعرض ایشان نشد که چرا فلان مشغول چیست یا کردی یا از
فلان راه کسب نمودی و هر چند ممکن است بعضی بکار کنند خود سری
در داد و پستد خوب نیست اما این اشتباه است تجارت آزادی بخیر
و تعرض و منع باید مخصوص تقلب باشد و این گفته ثابت شده و تجربه معلوم
گشته واجب نیست در اینجا با ثبات این عا پر داریم زیرا که دولت بوجه

ما تجارت و معاملات از آزاد دارد و کسی در امور کسب و اخلاقی مکنند مگر بند
و بعضی چیزها که آنهم انشاء الله عقرب رفع میشود دیگر از هر ایهای شود
دولت این است که مردم همت و ثبات یقین نمایند که مختار مال و جان
خود باشند و بتوانند در کار با خالی از بیم و تشویش اقدام نمایند و گردن
و دلهام سر میشود و کار چنانکه باید پیش نیرود دیگر آنکه اسباب تربیت
و تعلیم انبای مملکت را فراهم آورد و تا روز بروز دهن چشم شهری و دنیای
روشن باز شود و اطلاع و معرفت جلد زیا گردد و بتوانند در کارهای
خود تصرفات خوب کنند دیگر آنکه وسایل حفظ صحت عموم را حاضر
میکند و نگذارد مردم اغلب علیل و ناخوش باشند زیرا که کار بدون صحت
ممکن نیست علاوه چون اسباب تندرستی فراهم باشد مردم کمتر کلفت میشوند
و از عده کارگر نیکاب و امراض و بانی یا عمومی بروز نمیکند و تربیت
زندگانی را بهم نمینهند

اینها تحقیقاتی بود بطور کلی خوب است قدری هم بجزئیات پرداخته نظر
بشاغل مختلفه که مردم باید بدان مشغول باشند کنیم تا برین گوئیم شغلها
مستوان بچند دسته و قسمت منقسم نمود و از آنها بصنفت تعبیر کرد
و صنایع از اینهاست

اول صنایع استخراجی که آن را در عالم علم اینطور اصطلاح کرده اند و
باین اسم موسوم ساخته و صنایع استخراجی عبارت است از شکار و
صید ماهی و در جان و مردارید و عنسیر و انتفاع از جنگلها و استخراج
معادن و احجار و هر چه ازین قبیل است

صنعت دوم اقسام مختلفه زراعت و فلاح است که مستغنی از تریف

در طرف شمال این عرصه میدان امثال و جدال امریکا و انگلیس است میثرب عکس در ولایت جنوبی فسیقین شدت زرد و خور و سیکر و دانه سال هزار و هشتصد
و هشتاد و یک وضع صورت و کلی معلوم و معین نه است و امحل و نیم بود در آن اودان و آشیلکن با کنت در شام و سپهر دار عا کر فرانسه و کنت و کراس
فرمانده سفاین آن دولت طرحی بقاعده ریخت و مقررات و دستور اهل این سه مرد و انا موقع اجرا گذاشته شد و پیشرفت کامل مستغنی گشت یعنی فئون امریکائی
مرکب از هزار نفر با انگلیس و فرانسه که عبارت از هفت هزار جنگی بود و هشت کشتیهای کنت و کراس که پس کسی و هفت فروند شمار می آمد و زوال کرن و سپس و
انگلیس را در شب غریزه بوزک تون در ولایت ویرینی محاصره کردند و سپهر کرده مشارایه بعد از بیست و روز محصور می در ماه اکتبر سال هزار و هشتصد و هشتاد
و یک تسلیم شد و دوازده هزار نفر اسیر و سنی برین و توپ از دست داد و آن جلد را و آشیلکن گرفت و فی الحقیقه بواسطه این طفر جنگ ایالات متحده با انگلیس

نزهت سیصد و شصت و یکم

(۱۸۰۴)

و شرح و بیان میباشد

تیم صنایع کارخانه باشد مثل پارچه بانی و ریمان ربی و قد سازی و بطور سازی و مثال آن

چهارم تجارت که دقایق آن در موقع خود ذکر میشود و اهمیت آن بهرست معلوم میشود

پنجم حمل و نقل است و اجناس اعم از اینکه بالای و استر و کاری و بار کشت حمل کنند یا بار آه این و کالک و غیره نقل و جابجا نمایند و اگر مثل و حرف عالی و محترمه را از قنات و طبابت و طب و پیشانی فضل و دانش نام بردیم و بدگر آن نوع شغل و کار پر خستیم از آن نیست که بی فایده و غیر لازم است بلکه اولاً خط مراتب نمودیم و ادب بخرج دادیم و دانشمندان نسبت سایرین برتیب نهادیم زیرا که محققین از علمای علم ثروت این شغل محترم تر از صنایع مذکوره دانسته اند ثانیاً فایده این شغلها را در بیان برای مملکت مستقیمانیت و بطور غیر مستقیم تولید ثروت میکند مثلاً شخصی که چرخ بخار اختراع کرده شخصاً تولید ثروت نموده اگر چه فایده عظیم بنیاد و اهل عالم رسانده و اسباب سولت تولید ثروت فوق العاده فراهم آورده است

صنایع پنجگانه مذکور در فوق برای تمام ممالک زوی زمین لازم است هر چند حالا بواسطه بسیاری و آسانی و مایل ارتباط اگر مملکتی یک حیث نقص داشته باشد باکی نیست میتواند بواسطه تجارت آن نقص را رفع کند اما قاعده کلی این است که مملکت تمام آن صنایع را خود داشته باشد چه آن صنایع همه هم مربوط است

خوب بودن وضع صنایع شرایطی دارد و اگر آن شرایط را مراعی و منظور دارند آن وقت رواج صنعت آسایش و آبادی و زیادهای ثروت مملکت شود و یک شرط از آن شرط این است که مردم باندازه توانا و کفایت بصفت پر دارند و سعی و عمل و پسر باید خود را در شعب مختلفه آن بکار برند تا اینکه یک شعبه را مهمل و متروک گذارند و سخت تعبیه دیگر بچسبند و هر چه مال و قوه دارند در آن صرف کنند مثلاً ما مردم ایران اگر چه در تمام شعب صنعت اجمال میوزیم ولی در بعضی شعبه ها مخصوصاً بیشتر ماسخه میکنیم و راه غفلت میرویم چنانکه صنایع استخراجی هیچ نداریم و معادن را با این همه اهمیت بکلی فراموش کرده ایم همانا این گنج طبیعی را بیچ و بنا بودند اشتباهیم و باین واسطه هنر فلزکاری ما خیلی ناقص است بلکه میتوان گفت از اصل فلزکاری نداریم و حال آنکه در زیر زمینهای ما گذشته از هر چیز آهن و زغال سنگ فراوان است و این دو جنس را آنجا که از معادن ملی باخسبند الزم چیزها دانسته چنانکه ترقی شایان صنعت انگلیس و بزرگ راجا جعفران بدشتن معادن آهن و زغال سنگ نسبت میدهند باری قصد این است که مردم مملکت باید در تمام شعب صنایع اهتمام کنند زیرا که تمام مصنوعات و اعمال صنعتی محتاج اند و هر کس اندکی تعقل کند میداند که عمارت خانه و کاروانسرا و مسجد و مخزن و غیره فقط بکارهای معماری و بنائی تمام نمیشود و از بنجار و حجاری و در و پیکر و سنگ و ستون و نقاشی و شیء بری و صنعتی دیگر نیزه ناگزیر است و بعد از آنکه سپهر اچانکه باید تمام شود و بفروش و ظرف و سایر ااثالبیت رسیدیم گفت میباید که دایره احتیاج

بانتها رسید و آن امریکائی که امروز میتواند رایت حریت و سر بلندی صد و پنجاه کرو نشین محترم را که اول مردم تربیت شده دنیا محسوب میشود بقرقه کردن کردند و ذره بخرج طلسم زند آزاد شد (از این مطلب باید گمان نمود انگلیس شکست خورده و باید گفت بود که انگلیس فتح کرده) آری از آسیا افتاد و در سال هزار و نهصد و هشتاد و سه در شهر ویرجیل نزدیک پاریس که سلاطین آخری فرانسه دربار خویش را در آن شهرت داده بودند علی بنده و بموجب آن معاهده دولت انگلیس استقلال ولایات متحده را قبول نمود و دو شش بکتلن بفرات و آسایش نایل گشت یعنی پس بکار دان چون مانور تری را که ولایات متحده امریکا با داده بودند انجام داده و تکالیف خود را ادا کرده دیگر کاری نداشت از لنگره اذن مرخصی گرفت و بجایگاه اصلی خود که منت و زین باشد رفت و گوشه گرفت و بعد از آنکه افتخار و سر بلندی که او را حاصل آمده و خرسندی داشت که بار دیگر بزمه گانی و بتانی آرامی و سر و صدای خویش فایز گردیده است

طل متدنه تا چه اندازه دُست دارد و ملکی که بخواد از تمدن وقت متع
حسابی داشته باشد چقدر صاحب صنعت با هر هنر مند است و بخواد
و صنایع کارخانه که در قتل گذشت چه باید ضرر بردم و اردی
صنایع استخراجی چنانکه ذکر شد هیچ نداریم و صنایع کارخانه نیز
مثل هیچ دستی که هیچ تراست متفرع بر این دو می باشد یعنی متون
گفتند داشتن آن سبب داشتن آن دو صنعت و سایر صنایع است و
این معدوم واجب و لازم طسوق و شوابع باشد و ضرر و خسارت و
معایب داشتن راه را کمتر گفته ایم و گفته اند و شاید بعد ما نیز درینجا
بعضی حرفها برنیم عجاایب از موضوع خارج شویم از سر طاول
خوب بودن وضع صنعت سخن میرفت و حرف درین بود که مردم بعضی
کارها را بکلی کنار گذاشته و برخی زیاد چسبیده اند و شاید تجارت
از قول دوتیم باشد یعنی صاحبان غیرت که خواسته اند بکار نباشند
و بطول ایل کار معاش نکنند همه از ناچاری مشغول تجارت شده حال
آنکه دُست دایره تجارت یک فقره بسته باز دیا صنعت است
صنایع مستوعه باید دایره تجارت را وسیع نماید و گرنه بی صنعت
تجارت زیاد اسباب مفاسد غیر تر قبه میشود و لازم نیست که متاع قیل ببرد
بدست بگردد خوب است صنعت را درست محترم داریم و تقویت کنیم
تا آن تجارتی که امروز بواسطه عدم پیشرفت پی در پی ورشکست میشوند و
بکاری زنند که ازین آفت و محافت پهنه و در باشد و مع ذلک منع تجارت
نمی کنیم و چون مطلب علی است کو نیم فقط علی که هر چه آن را در ملک
بط و دهنده ضرر ندارد بلکه بر فایده آن می باشد و زراعت است

و در کار کش و زرع اصلا ملاحظه تناسب آن با سایر شعب صنایع لزومی
ندارد خلاصه اگر مسئله بط تجارت با حالات حالیه بدرجه نرسیده
باشد که آن را مضروا نیم نگنی و ایراد صنایع یقینا اسباب خسارت علی است
و بعضی ملتفت نیستند که اهل صنعت هم زیاده از حد محترم میباشند و گمان
میکنند از باب صنایع بشان تجارت نیستند و این سهو بزرگ است گم
کردن صاحب توپ معروف اهل صنعت نبود و مگر با سلاطین مقتدر روی
زمین سپه و کار گذاشت یا دور از تجارت معتبر تر نیستند
بهر آن بود که این معال را در یک نمره تمام کنیم و شرح وسیله دوتیم
تولید ثروت در قبل از اتمام و اكمال قطع نمائیم هر چه فرجه دیم و مختصر کردیم
باز دیدیم ممکن نیست لهذا اتمم را برای نمره نامی بعد گذاشتیم
(بحرین)

این اوقات از بحرین جزایر معروف واقع در خلیج فارس بعضی حرفها
در درار اختلاف طهران میزنند و از تعدی عرب سنی بحرین بهم شیعیه
یا اجماف سرباز انگلیس با بانی روایتی شایع شده و دوستان ما را
متالم نموده چون خود در کشف حقیقت دستی نداشته با ما درین باب گفتگو
کردند و ما برای اینکه مطلبی نفهمیم و نیزانی بدست آریم بایکی از جهتهای
سفارت سنی انگلیس مقیم این بای پی تحت در مسئله مذکور مذاکرات نمودیم
مشا را تفصیل ذیل را اظهار داشت لکن باید دانست که غرض ما از درج
این شرح فقط خبر دادن نیست بلکه همیشه سیره ما این بوده و هست که حتی
الامکان از وقایع کسب بصیرت و عبرت کنیم و سوانح را دستنویز
نموده بیا و آوری برخی مطالب برداریم و چون عقیده ما این است که

قبل از آنکه و شکیکن از کار کناره کند تکلیف غریب با و کردند و آن امتحان صحت عمل و عیار نقد خالص و جو حقیقت نمود و او بود ثابت و روشن نمود که گوهری کما
دارد و به آرایش و هوای نامی معینی و تقویلات نفس همیستی میکند ارد تبیین این مقال آنکه بعضی از سپه داران ایریکانی که با و شکیکن انس و الفتی داشتند و
نارضانی کلیه صاحبان را از لنگر میداشتند با و گفتند بهتر آن است که لنگره را بهم زنی و خود پادشاه ایالات متحد شوی بر سر سلطنت جلوس غائی
و تاج شهبازی برگزگاری (این تو داین ملک داین دیم شای باتو ما بسره و نایید آئی)
همه کس میداند وصال شاه در عیالی سلطنت و دیدار محبوب بیکجای دولت آرزوی است که در نوید ای سینه دول اغلب از همان محشم جان خاصه آنان که تمیله
دارند و خود را دارای قابلیت و استعدادی سپید اند و اگر چه که آرزو مند این خیال را پنهان کنند و بروی خود بنار و چون میل با جتسیا

از دانه نوزد می توان پند گرفت و هوشیار شد بل قول گویند و انگلیسی
مبادرت می نمایند معزنی الیه گوید
جزایر بحرین که زمانی در تحت حمایت دولت علیه ایران و قوی در تحت حمایت
دولت علیه عثمانی بوده فعلا در آن شخصی موسوم شیخ عیسی بن خلیفه از
شیخ عرب سبکال حکومت میکند و با دولت هندوستان بنا بر معاهد
روابطی دارد و تقویت دولت مشارالیه از مدخله سایر دول
فارغ میباشد زیرا که تقریباً از یکصد سال قبل الی الان نمایندگان
انگلیس متصل در خلیج فارس سیر میکنند و باین واسطه امنیت و صلح در آن
برقرار است و دولت هندوستان این امنیت و صلح را زیاده از حد
مهم شمارد در این اوج همه اتفاقات نگوار روی داده سبب
کمال تأتف دولت مشارالیه گردیده و چارمداخله پرداخت که متعلق
بر طرف شود

توضیح آنکه شیخ علی بن احمد از برادرزادگان شیخ بحرین مدتی بود که
بحرکات ناشایسته باب زحمت و اذیت امانی جزایر شده در قومی بم
شیخ عیسی عم مشارالیه از وی اندیشه ناگفته دولت هندوستان
شکایت سختی نمود اول حرکت زشتی که از شیخ علی بطور رسیدنیافته
بود که ملازمانش بدستور محل آقامی خود بایکی از تجار المانی که در بحرین
مشغول تجارت است نمودند چیزی از آن واقعه نگذشت که یکی از نوکران
شیخ علی شخصی از رعایای ایران بنای زرد و خور در آنکه داشت بعد بمجموع
ایرانیان خاصه حاجی عبدالعسی کا زرانی و بستگان او بمجار پرده خست
و در آن هنگام پدراجاجی عبدالعسی مردی هشتاد و سال بود با برادر او بنده

مخروج گردیدند معلوم است که این قسم بی اعتدالی سیاست و مجازات
بخواهد خلاصه آن چند نفر ایرانی که طرف تعدی واقع شده
و از بی اعتدالی و ظلم و صدمه شخصی و ملازمانش بستم آمده مراتب را نگه افرا
بجناب مستطاب اجل امجد معظم شیرالدوله وزیر امور خارجه ضاعف تهر
اجلا عرض کردند و رفع احواف را درخواست نمودند جناب مستطاب معظم
بعد از مذاکرات بنامینده دولت انگلیس نگه افرا بعارضین جواب دادند
آسوده باشید احقاق حق میشود و بلافاصله بلیوز دولت انگلیس عاقلان
بوشهر بحرین رفقه تحقیق کرد و بر او ثابت شد که ظلم از جانب عرب است
و عجم گناهی ندارد پس اولاً از شیخ عیسی خواستند که شیخ علی که مایه
فساد و فساد بوده از جنبه ایراج شود ثانیاً عربها که بهیجا حمله بر
مجنوس یا تنبیه شوند ثانیاً مبلغ دویزد هزار و پیم بعنوان وجه خسارت
برای مجروحین داده شود لکن شیخ بحرین این تکالیف را نپذیرفت و
گفت این کار باید بمحض شریع رجوع شود بلیوز انگلیس اظهار داشت
که عظامی سنی بمجار به اعراب تصدیق نموده و شیعه تا از طرف دینی
راضی نمیشوند دفع خلاف بمحض عالم سستی راجع شود با وجود این غای
نوجه شیخ تکالیف فوق را قبول نکرد بلیوز انگلیس ناچار مراتب را
بدولت هندوستان اظهار نمود و دولت مشارالیه با جاز جنگی بآن
صوب فرستاد و بمقتضای اسلحه تکالیف بلیوز بحرین شود بعض
وصول جواز شخصی بنانی منسار نمود و ماذون بمراجعت نخواهد بود
و شیخ عیسی چون دید با جاز جنگی دیگر نمیتواند مانع احقاق حق رعایای
ایران و شیعه عجم شود قبول کرد که اعراب و کتب شرارت تنبیه شوند

مطلق و استبداد و فعال مایه بودن امری نیست که قدر اندازد آن را مطالعه کنندگان ندانند زیاد درین باب گفتگو نمیکشیم بقیه را گوئیم با امکان حصول این
مقام از سنگینی بار ساسی و ملکت داری و تکالیف و متاعب آن اندیشیدن و از مرادی که دسترس دارد و با علی درجه مطلوب و محبوب خاص و عام است دست
کشیدن مختصر دبی تصنیع از سلطنت گذشتن و بحال عیسی و سادگی گشتن قوه پیمیری بخواند عقل افلاطون درین مادی و در حمله در میان آما و شیکستن آن بایه
و نش برزگوارای داشت که یک آن محلی باین خیال و حرف نگذاشت قریب بر اوای نفس نخورد از راه حقیقت بر زرف عشو آرایش و نمایش صوری
نخورد و از کالات و مقامات معنوی چشم پوشید بلکه عاریت و بیابوی آن دل نداد و قومی سخن یاران نهاد بلکه تکلیفی را که با کرده بودند تریب خود دانسته و سنگشت
که چرا کمان بیاورده اند و تصور کرده که او مردی ظاهراً پرست میباشد و مکن است از قوانین صحیحه ملکت تجاوز نماید و در صدد انجام مقاصد شخصی برآید

و خارتی که معین شد بمطلوبین ایرانی پرداخته شود این است
تمام وقایعی که این او حسن در بحرین واقع شده و نسبت تعدی برابر
انگلیس کذب محض است و حقیقت ندارد آنتی

(تربیت)

این بود معلومی که از سفارت سفیر انگلیس عاید شده و باز هم از محله‌ای
دیگر تقش می‌کنیم و اگر علاوه برین چیزی کثوف شد برای اطلاع
خاطر مطالعه کنندگان تربیت در غره‌های بعد دج می‌نمایم

(جنگ روس و ژاپن)

از پیوری بسیار کم خبر می‌رسد و معلوم می‌شود واقعه‌ای نمی‌شده همانا طرفین
رفع خشکی نمایند یا طرح تازه برای کار میسر یزند در هر صورت این
او آخرین نوبت ژنرال لینی و یچ سردار کل عا که پیوری روس
خبر داده که روزیت و نیم ماه آوریل (مطابق بیت ویم صفر)
دو دست قشون روسی یک مرتبه در محلی موسوم به توخوزیان برپا
حمله کرده آنها را از محل و موقع خود خارج نموده و جای ایشان را تصرف
شده اند این روز ما خبر دادند که ژاپنیها مبنی بطرف شمال پیش رفته
و دو نوبت روسها را متصرف ساخته اند و چند نقطه از اماکن آنها را
متصرف گشته و این وقایع سوانخی است که تا روز چهارم ماه می (مطابق
بیت ویم صفر) مانع شده و چون درست باین خبر ما نظر کنیم
ببینیم همه مبهم و محال است و باید منتظر باشیم تا اخبار صریح و محکم برسد
رو به خبر مید که چهار روزه گذشته و گذشتی پریل روسی روز پنجم ماه می در سوال
نیکایه و از بنا در ژاپن دیده شده و یک سفینه با دی تجارتی را آنها غرق

کرده مراجعت نموده اند

از و شینگتن خبر داده اند که سفیر انگلیس متیم امریکا حازم انگلیس می‌باشد
و سفرای المان و فرانسه هم درین خیال اند و احتمال می‌دهند که این
سفیرا علیحضرت پادشاه انگلیس و علیحضرت امپراطور المان و جناب
رئیس جمهوری فرانسه اظهار کنند که جناب رئیس جمهوری آمازونی
کال میل را دارد که بعضی پیدا شدن موقع جنگ را با آنها رساند
اعتقاد بعضی این است که بعد از دو خورد سفایر دولستین متخاضمین
و جنگی دریائی نتیجه محاربه هر چه باشد موقع برای مذاکره به صلح مناسب
خواهد بود

در روسیه که هزار و صد و پنجاه نفر از تربیت شده های مدرسه نظامی را
چهار ماه قبل از وقت و موعده بر تبه صاحبی برداشته اند و آنها را
علیحضرت امپراطور در قصر سلطنتی پذیرفته و بایشان فرستاده که اینجا
و عجله در اقدام بواسطه آن است که صاحب منصب باید در پیوری تلف
شده و از دست رفته باید جای آنها پر شود

روزنامه های ژاپنی باز از مساعدت فرانسه با سفایر روسی گفتگو میکنند
و میگویند دولت فرانسه در اطمینانی که باید صدق غیت و روسها
در بنا درهند و چین تبه زغال و آذوقه میکنند دولت فرانسه
البحر خود را مخصوصا بند چین فرستاده که بجازات روسی فشار
کند بیطرفی فرانسه را رعایت نمایند و منظور دارند اما در باب اینکه
آن سفایر در چه نقطه می‌باشند خبرها مختلف است و چنین مستفاد می‌شود
که در چند فرسخی بندر کامرود در طرف شمال آن بندر هستند و چون

اگر سرداران پیوری در باره و شینگتن خیالی باطل کردند اما امریکا نیامید استند که هر وقت وطن حبسی ایالات متحده (آمازونی) محتاج خدمات و کارهای
بزرگ او شود آن وطن پرست ملت دوست برای جانفشانی و مجاهدت حاضر خواهد بود و اتفاقا چیزی هم گذشت که موقع این کار در رسید باین معنی که بعد از ختم
جنگ محکمی که کلنیهای امریکائی برای خود ترتیب داده بودند وقت و استحکامی داشت و رفته رفته رو با ضحلال و انحلال میگذاشت با حکام ملکر جهتنی
درستی نمیکردند و ولایاتی که با هم متحد شده و دولت آمازونی را تشکیل داده و شماره سینه ولایت بود هر یک میل استقلال و خود سری داشتند و در کارها آنچه را
بر طبق مصلحت خاص میدادند و منفی بجال ولایت خویش می‌پنداشتند وقت میدادند و در بند نفع عام و فایده همایه های متحد خود نبودند علاوه برین در هر نیای
میان مردم نفاق در گرفته و فقر و محرومی گشته و در بسیاری از نقاط جماعتی قرار اتخاذ یک سینمودند و بر ضد غنیای برمی انگیختند خلاصه روز بروز از خشمش و در

در حرکات آنابطو و تانی ظاهر است و اینها بکثرت افتاده کمان
میکنند امیرال رز در سونگی خیال ندارد بطرف شمال رود و از رود
و خود با سفاین را پنی احتراز میسپایند
در یکی از بنا در امان پسیس و فروند کشتی ترپل گرفته است این دو
سفینه را برای دولت روس ساخته بودند و بجز آنکه در شکل ماشین
بار نموده میخواهند بر دست حمل نمایند دولت اردن این هم اطمینان
کرده پس ایابانوده کشتی گنجی بر دوسا فروخته و گفته است مادی
که جنگ در کار است اقدام باین عمل نخواهد نمود

از تو کوی خبر داده اند که ژاپنها در پرت آرتور شغول بیرون آوردن
سفاین دسی از زیر آب میکنند و میخواهند آن کشتیها را بیرون آورند و مسلح
کنند و این کار پیش میرود و احتمال دارد در ژاپنها دارای چند فروند
کشتی زره پوشش و اول و سفاین منقش شوند

(اعلامات و احوال سیومولیون)

یکی از دو انامی بسیار خوب کرم سیمون است و آن متعاقب فشنکی
زیبائی میباشد برای نگه داری و محافظت جلد یعنی پوست بدن بی
نظیر و در نرم کردن و سفید و براق و بخی نمودن پوست صورت و دست
مثل ندارد

تمام زنان تیر که متعاقب طرافت و پاکیزگی میباشند آن را استعمال میکنند
کرم سیمون طراوت و جلای رنگ را نیز حفظ میکند و رفع خمره و
شقاق و ترکیدگی دست را بسیار مجرب کرم سیمون بجهت نفوذ
و تاب آفتاب خوردگی بسیار مفید است

نور دوری کرم سیمون گردی بدون میوت بسیار نرم
و چسبان و غیر مرئی
گردی سیمون کلی است بدون میوت یا معطر و خوشبو و نتایج
مفیده کرم سیمون را کامل میکند

صابون کرم سیمون بسیار قوی نظیر است پوست را
سفید و نرم و براق میکند

ایضا این صابون برای زینت و آرایش طفل بسیار تجویز شده است
تشنگی مقوی و کتر د شام با کلا و پوست گنه گنه و کلا و کلیه و ففات
دو فر برای آنکه طول مدت زندگانی تقریباً یکصد سال رسد قبل از
نار و شام یک کلاس کوچک ازین دوا میخورند نسخه این دوا
در همه معروف است و جمیع طبهار دنیا تجویز کرده اند

این دوا بحالت محلول کامل مواد عاقل پوست گنه گنه و کلا و برگ کلا
و کلیه و ففات و دوا در برابر دوزی هم رفته برای محکم کردن آنست
و قوت دادن آن دوا می خوبی است این دوا عاقل که اثر میبندد
جمیع طبهار تصدیق کرده با کمال دقت ساخته میشود و مقوی و مصلح
و محرک اشتهاست و با شفا صی که مبتلا بضعف پیری میباشند
یا از جهت ناخوشی ضعیف المزاج شده قوت میدهد و اسباب استحکام
و مدد دهنده آنها میگردد و چون قیمت دوا مناسب است همه کس
میتواند بخرد و مصرف کند

قیمت یک بطری آن شش قران و دوازده بطری آن تومان و محل فروش
در طهران مخصر است و دواخانه سیومولیون در خیابان لاله زار

و مرج زیاد میشد بعضی از خیر خواهان مملکت که مسلم میدانند استقامت و نجات ازین مینه و غرابی جنبه شکیل حکومتی قادر و توانا ممکن نیست و انارونی باید محکوم حکومتی
باشد که بتواند تمام ایالات و ولایات را در تحت طاعت خود نگاه دارد با صبر این خیالات را انتشار میبخشد و در دنیا جاداند که دولتی با قوت و شوکت بایر
تا ایالات متحد و انارونی را بسعادت و لوازم حیات و دوام و ترقی نایل نماید و عاقبت در سپیده نزار و نهضت و هشتاد و هفت (۱۷۸۷) مجلسی تاسی منقده
شد مگر حکومت دولت تازه را طرح کند و ترقی بد و شخص و ششنگتن از جانب ولایت و برتری نامور بود که در آن مجلس حاضر شود پس از حضور سایر اجزای مجلس
بیل و طبیب خاطر مدکار دیده را رئیس مجلس فرار داد و دو ششنگتن نیز قبول ریاست آن انجمن نمود یعنی بکه از آنکه مشارک به بر شمشیر وطن خویش را از قید
نجات داد و بواسطه دست باز کردن در صفای آن مملکت را بجزت و استقلال نایل نمود و در اکران منقده شد که سیبایت ترقیب امور دولتی آن مملکت را بدو بقیه در نهاده اند